



امانت عشق

این قلب من یک امانت است از طرف من به تو تا لحظه ای که نفس میکشم!

احساسات من امانتیست به تو از طرف قلبم تا لحظه ای که جان دارم...

این عشقم امانتیست از طرف قلبم تا لحظه ای که تو را دارم....

بپذیر از من ، آنچه که میتوانم در راه عشقت فدا کنم....

مرا ببخش اگر جز این امانتی چیزی در وجودم ندارم.....

همین قلب را دارم که آن هم روزی فدایت میکنم!

همین چشمها را دارم که در راه عشقت جز اشک ریختن هیچ کاری ندارد!

احساساتم نیز که در راه عشق تو ، تنها برای تو است....

کاش میتوانستم پرواز کنم و ستاره ها را برایت بچینم ، کاش میتوانستم خورشید شوم و

برای تو بتابم ، کاش میتوانستم قطره ای شوم و بر روی تو بیارم ، کاش میتوانستم

همچو آسمان سرپناه تو باشم...

همین قلب را که دارم ، انگار تو را دارم ، میخواستم قلبم را به تو هدیه دهم ترسیدم از

فردا که این هدیه را دور بیندازی ، آن را به تو امانت دادم که اگر روزی خواستی آن را به

من پس دهی تو درون آن باشی!

پس دیگر حرفی ندارم، من عاشقم، جز ماندن راهی ندارم!

تو همیشه در قلب منی ، لایق باشی یا نباشی همه هستی منی!

همین که تو را دارم ، انگار همه چیز را دارم دیگر هیچ چیز از خدا نمیخواهم!

اگر خدا به من قلبی داد برای زندگی کردن آن را به تو امانت دادم ، حالا دیگر هیچ کسی جز تو ندارم....

حالا که دیگر قلبم را به تو امانت دادم اگر زنده ام به این خاطر است که در قلب تو هستم!

پس تا لحظه ای که نفس میکشی من زنده ام ، تا لحظه ای که عاشقی ، من عاشقم و

تا لحظه ای که تو را دارم ، تا ابد دوستت دارم.....



alifathi1385.blogfa.com